موافقت با استعفای انوشیروانی مهر تاییدی بر ورزشکار سالاری

درصورت قبول استعفای سجاد انوشیروانی مهر تائیدی بر ورزشکار سالاری در فدراسیون تحت مدیریت خود خواهد زد

فدراسیون وزنه برداری بعد از المپیک ریو فرصت خوبی داشت تا اختلاف موجود در تیم ملی را حل کند اما 10 ماه آن را به تعویق انداخت و هر مرتبه هم وعده حل شدن ماجرا را داد که تصور می شد قرار است راه حل منطقی برای پایان دادن به ماجرای سجاد انوشیروانی و کیانوش رستمی انتخاب شود اما در نهایت نیز تصمیمی گرفته شد که منجر به استعفای سجاد انوشیروانی از سرمربی‌گری تیم ملی شد و این اتفاق تنها یک سوال ایجاد کرده که چرا فدراسیون 10 ماه این ماجرا را طول داد و از ابتدا اعلام نکرد هیچ راه حل جدیدی در کار نخواهد بود و قرار است کیانوش رستمی به همان شیوه قبل از المپیک و حتی با امتیازهای بیشتر به کار خود ادامه دهد؟

حق وتوی سوال برانگیز علی مرادی در جلسه شورای فنی

فدراسیون وزنه بردای بعد از گذشت ماهها و زمانی که دیگر خیالش از انتخابات فدراسیون جهانی راحت شد، پس از شکست در این انتخابات بالاخره به یاد مشکلات داخلی هم افتاد. دو جلسه برای حل مشکلات تیم ملی برگزار کرد که در جلسه دوم و برای راگیری میان انوشیروانی و رستمی، علی مرادی در یک اقدام قابل تامل برای خودش حق وتو قائل شد. فدراسیون وزنه برداری پیش از این هم تصمیمات مهم و سرنوشت ساز دیگری را اتخاذ کرده بود بنابراین چرا علی مرادی در زمان رای گیری برای انتخاب بین بهادرمولایی و علی هاشمی برای رفتن به المپیک یا زمان برکناری حسین توکلی برای خودش حق وتو قائل نشد؟

همچنین اگر مرادی پشت سرمربی تیم ملی بود چرا پس از پایان راگیری از حق وتوی خود استفاده نکرد؟ در واقع وقتی شورای فنی رای به تنها تمرین کردن کیانوش رستمی و با مربی اختصاصی‌اش داد مرادی این حکم را وتو نکرد و شاید در صورتی از حق وتوی خود استفاده می‌کرد که شورای فنی رای به این می‌داد که رستمی باید زیر نظر سرمربی تیم ملی تمرین کند.

این اقدام علی مرادی در جلسه اخیر شورای فنی بسیار شبهه برانگیز بود و تصور کردن اینکه به عنوان رییس فدراسیون پشت سرمربی قرارداشته که روزی خودش او را بر سرکار گذاشته است را سخت می کند.

وقتی مربی پشت مربی را خالی می کند!

نکته قابل توجه دیگر در جلسه شورای عالی فنی این بود که، کسانی به نفع کیانوش رستمی رای دادند که خودشان مربی بوده اند. از این رو این سوال پیش می آید خود آنها با رایی که دادند چقدر به جایگاه مربیگری و از همه مهمتر انتخابی که خودشان به عنوان جایگزین حسین توکلی داشتند احترام گذاشته‌اند؟ اگر در توانایی سرمربی تیم ملی شک دارند چرا حسین توکلی را برکنار و انوشیروانی را انتخاب کردند و اگر شکی ندارند پس چرا پشت او قرار نگرفتند؟ اکنون هم هیچ کدام از آنها پاسخگو نیستند و یک دلیل برای رایی که داشتند را عنوان نمی‌کنند.

در آستانه ثبت بزرگترین اشتباه مدیریتی

علی مرادی شاید می توانست ماهها قبل تدبیری را به کار گیرد که کار به دوراهی نکشد اما آنقدر درگیر انتخابات فدراسیون جهانی شد که یک اختلاف، درنهایت به یک معضل تبدیل شد. در این که کیانوش رستمی جزو وزنه‌برداران بزرگ دنیا است، شکی نیست اما ایران وزنه برداران صاحب عنوان دیگری مانند بهداد سلیمی و سهراب مرادی هم دارد. اگر آنها هم خواسته هایی مشابه رستمی داشته باشند مرادی چه اقدامی انجام خواهد داد؟

با شرایطی که رئیس فدراسیون وزنه‌برداری در پیش گرفته بهتر است به جای انتخاب سرمربی در جلسه شورای فنی، در جلسه با ملی پوشان یک نفر را را به عنوان سرمربی انتخاب کند تا حداقل بعدا مشکلات این چنینی پیش نیاید.

علی مرادی با تصمیمی که در فدراسیون و دوران ریاستش گرفت، ترویج بدعت ورزشکار سالاری را در کارنامه کاری‌اش به ثبت رسانده و این موضوعی است که نمی تواند کتمان کند چرا که پشت مربی که روزی در این فدراسیون انتخاب شد، نماند.

علی مرادی یک فرصت دیگر دارد تا بتواند شرایط موجود را بهبود ببخشد. در جلسه ای که قراراست در مورد انوشیروانی تصمیم گیری

شود، بهتر است راه حل منطقی را برگزیند که نشان ندهد جایگاه مربیگری در وزنه‌برداری به حرف ورزشکار بند است. اگر هم او و بقیه اعضای شورای عالی فنی با استعفای انوشیروانی موافقت کنند از این پس بهتر است از ورزشکاران بپرسند چه کسی لیاقت مربیگری تیم ملی وزنه برداری را دارد و راضی به کار کردن با او هستند. به نظر می‌رسد در صورت قبول استعفای انوشیروانی و پیروزی ورزشکارسالاری در فدراسیون وزنه‌برداری، از این پس رئیس فدراسیون نباید از بوجود آمدن مسائل عجیب و غریب دیگر و خواسته‌های نامتعارف ورزشکاران شگفت زده شود چرا